

بِسْمِ اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ

۱۰۰۰ نکته کلیدی

آیین دادرسی



مدنی

تدوین: امید ولدخانی

انتشارات چتر دانش - ۱۳۹۶



## نشر چتر دانش

- ◀ سرشناسه: ولدخانی، امید، ۱۳۶۶ -
- ◀ عنوان و نام پدید آور: ۱۰۰۰ نکته کلیدی آیین دادرسی مدنی / تدوین امید ولدخانی.
- ◀ مشخصات نشر: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۵.
- ◀ مشخصات ظاهری: ۲۰۵ ص.
- ◀ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۳۳-۵
- ◀ وضعیت فهرست نویسی: فیبا
- ◀ موضوع: آیین دادرسی مدنی -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)
- ◀ موضوع: حقوق مدنی -- ایران
- ◀ رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۴س/و/۱۷۱۰/۱ KMH
- ◀ رده بندی دیویی: ۳۴۷/۵۵
- ◀ شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۳۳۵۵۱

- ◀ نام کتاب: ۱۰۰۰ نکته کلیدی آیین دادرسی مدنی
- ◀ ناشر: چتر دانش
- ◀ تدوین: امید ولدخانی
- ◀ نوبت و سال چاپ: سوم - ۱۳۹۶
- ◀ شمارگان: ۲۰۰۰
- ◀ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۳۳-۵
- ◀ قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، فنیمری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پفش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.



## سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

## فهرست موضوعی

کلیات	نکته ۱
<b>باب اول: در صلاحیت دادگاه ها</b>	<b>نکته ۲۰</b>
فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه ها	نکته ۲۰
فصل دوم: اختلاف در صلاحیت ذاتی و ترتیب حل آن	نکته ۵۵
<b>باب دوم: وکالت در دعاوی</b>	<b>نکته ۶۲</b>
<b>باب سوم: دادرسی نخستین</b>	<b>نکته ۸۸</b>
فصل اول: دادخواست	نکته ۸۸
مبحث اول: تقدیم دادخواست	نکته ۸۸
مبحث دوم: شرایط دادخواست	نکته ۹۲
مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست	نکته ۹۶
مبحث چهارم: پیوسته‌های دادخواست	نکته ۱۰۵
فصل دوم: بهای خواسته	نکته ۱۱۶
فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی	نکته ۱۳۰
مبحث اول: جریان دادخواست	نکته ۱۳۰
مبحث دوم: ابلاغ	نکته ۱۳۵
مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی	نکته ۱۶۷
فصل چهارم: جلسه دادرسی	نکته ۱۹۱
فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست	نکته ۲۱۶
فصل ششم: امور اتفاقی	نکته ۲۲۸
مبحث اول: تأمین خواسته	نکته ۲۲۸
مبحث دوم: ورود شخص ثالث	نکته ۲۶۴
مبحث سوم: جلب شخص ثالث	نکته ۲۷۳
مبحث چهارم: دعوای متقابل	نکته ۲۸۴
مبحث پنجم: اخذ تأمین اتباع دولت های خارجی	نکته ۲۹۰
فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه	نکته ۲۹۸
مبحث اول: تأمین دلیل	نکته ۲۹۸
مبحث دوم: اظهارنامه	نکته ۳۰۸
فصل هشتم: دعوای تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت	نکته ۳۱۱
فصل نهم: سازش و درخواست آن	نکته ۳۵۰
مبحث اول: سازش	نکته ۳۵۰
مبحث دوم: درخواست سازش	نکته ۳۶۳
فصل دهم: رسیدگی به دلایل	نکته ۳۷۴
مبحث اول: کلیات	نکته ۳۷۴
مبحث دوم: اقرار	نکته ۳۹۵
مبحث سوم: اسناد	نکته ۴۱۲
الف- مواد عمومی	نکته ۴۱۲
ب- انکار و تردید	نکته ۴۳۰
ج- ادعای جعلیت	نکته ۴۳۶
د- رسیدگی به صحت و اصالت سند	نکته ۴۴۴
مبحث چهارم: گواهی	نکته ۴۶۰
مبحث پنجم: معاینه و تحقیق محلی	نکته ۴۸۸

مبحث ششم: رجوع به کارشناس	نکته ۵۰۷
مبحث هفتم: سوگند	نکته ۵۳۵
مبحث هشتم: نیابت قضایی	نکته ۵۷۶
فصل یازدهم: رأی	نکته ۵۹۱
مبحث اول: صدور و انشای رأی	نکته ۵۹۱
مبحث دوم: ابلاغ رأی	نکته ۶۰۷
مبحث سوم: حکم حضوری و غیابی	نکته ۶۱۳
مبحث چهارم: واخواهی	نکته ۶۲۱
مبحث پنجم: تصحیح رأی	نکته ۶۳۷
مبحث ششم: دادرسی فوری	نکته ۶۴۳
<b>باب چهارم: تجدیدنظر</b>	<b>نکته ۶۶۶</b>
فصل اول: احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر	نکته ۶۶۶
فصل دوم: آرای قابل تجدید نظر	نکته ۶۶۹
فصل سوم: مهلت تجدیدنظر	نکته ۶۷۷
فصل چهارم: دادخواست و مقدمات رسیدگی	نکته ۶۸۱
فصل پنجم: جهات تجدیدنظر	نکته ۶۹۷
<b>باب پنجم: فرجام خواهی</b>	<b>نکته ۷۱۸</b>
فصل اول: فرجام خواهی در امور مدنی	نکته ۷۱۸
مبحث اول: فرجام خواهی و آرای قابل فرجام	نکته ۷۱۸
مبحث دوم: موارد نقض	نکته ۷۲۴
مبحث سوم: ترتیب فرجام خواهی	نکته ۷۳۱
مبحث چهارم: ترتیب رسیدگی	نکته ۷۵۰
مبحث ششم: اقدامات پس از نقض	نکته ۷۶۵
مبحث هفتم: فرجام تبعی	نکته ۷۸۰
فصل دوم: اعتراض شخص ثالث	نکته ۷۸۵
فصل سوم: اعاده دادرسی	نکته ۷۹۸
مبحث اول: جهات اعاده دادرسی	نکته ۷۹۸
مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی	نکته ۸۰۹
مبحث سوم: ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی	نکته ۸۱۶
<b>باب ششم: مواعد</b>	<b>نکته ۸۴۵</b>
فصل اول: تعیین و حساب مواعد	نکته ۸۴۵
فصل دوم: دادن مهلت و تجدید موعد	نکته ۸۵۶
<b>باب هفتم: داوری</b>	<b>نکته ۸۶۴</b>
<b>باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار</b>	<b>نکته ۹۴۹</b>
فصل اول: هزینه دادرسی	نکته ۹۴۹
فصل دوم: اعسار از هزینه دادرسی	نکته ۹۵۴
<b>باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد</b>	<b>نکته ۹۶۸</b>
فصل اول: کلیات	نکته ۹۶۸
فصل دوم: خسارات	نکته ۹۸۱
فصل سوم: مستثنیات دین	نکته ۹۹۰

## فهرست

۱۱	کلیات.....
۱۶	باب اول: در صلاحیت دادگاهها.....
۱۶	فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها.....
۲۵	فصل دوم: اختلاف در صلاحیت ذاتی و ترتیب حل آن.....
۲۷	باب دوم: وکالت در دعاوی.....
۳۲	باب سوم: دادرسی نخستین.....
۳۲	فصل اول: دادخواست.....
۳۲	مبحث اول: تقدیم دادخواست.....
۳۲	مبحث دوم: شرایط دادخواست.....
۳۳	مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست.....
۳۶	مبحث چهارم: پیوسته‌های دادخواست.....
۳۸	فصل دوم: بهای خواسته.....
۴۱	فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی.....
۴۱	مبحث اول: جریان دادخواست.....
۴۲	مبحث دوم: ابلاغ.....
۴۹	مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی.....
۵۳	فصل چهارم: جلسه دادرسی.....
۵۸	فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست.....
۶۰	فصل ششم: امور اتفاقی.....
۶۰	مبحث اول: تأمین خواسته.....
۶۷	مبحث دوم: ورود شخص ثالث.....
۶۹	مبحث سوم: جلب شخص ثالث.....
۷۱	مبحث چهارم: دعوای متقابل.....
۷۲	مبحث پنجم: اخذ تأمین اتباع دولت های خارجی.....
۷۴	فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه.....
۷۴	مبحث اول: تأمین دلیل.....
۷۵	مبحث دوم: اظهارنامه.....
۷۶	فصل هشتم: دعوای تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت.....
۸۲	فصل نهم: سازش و درخواست آن.....
۸۲	مبحث اول: سازش.....
۸۵	مبحث دوم: درخواست سازش.....
۸۶	فصل دهم: رسیدگی به دلایل.....
۸۶	مبحث اول: کلیات.....
۸۹	مبحث دوم: اقرار.....
۹۲	مبحث سوم: اسناد.....
۹۵	الف- مواد عمومی.....
۹۵	ب- انکار و تردید.....
۹۶	ج- ادعای جعلیت.....
۹۸	د- رسیدگی به صحت و اصالت سند.....
۱۰۱	مبحث چهارم: گواهی.....
۱۰۶	مبحث پنجم: معاینه و تحقیق محلی.....
۱۰۹	مبحث ششم: رجوع به کارشناس.....
۱۱۳	مبحث هفتم: سوگند.....
۱۲۰	مبحث هشتم: نیابت قضایی.....

۱۲۳	فصل یازدهم: رأی
۱۲۳	مبحث اول: صدور و انشای رأی
۱۲۵	مبحث دوم: ابلاغ رأی
۱۲۶	مبحث سوم: حکم حضوری و غیابی
۱۲۸	مبحث چهارم: واخواهی
۱۳۰	مبحث پنجم: تصحیح رأی
۱۳۱	مبحث ششم: دادرسی فوری

### باب چهارم: تجدیدنظر ..... ۱۳۶

۱۳۶	فصل اول: احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر
۱۳۶	فصل دوم: رأی قابل تجدیدنظر
۱۳۸	فصل سوم: مهلت تجدیدنظر
۱۳۹	فصل چهارم: دادخواست و مقدمات رسیدگی
۱۴۱	فصل پنجم: جهات تجدیدنظر

### باب پنجم: فرجام خواهی ..... ۱۴۵

۱۴۵	فصل اول: فرجام خواهی در امور مدنی
۱۴۵	مبحث اول: فرجام خواهی و رأی قابل فرجام
۱۴۶	مبحث دوم: موارد نقض
۱۴۷	مبحث سوم: ترتیب فرجام خواهی
۱۵۱	مبحث چهارم: ترتیب رسیدگی
۱۵۲	مبحث پنجم: مهلت فرجام خواهی
۱۵۳	مبحث ششم: اقدامات پس از نقض
۱۵۵	مبحث هفتم: فرجام تبعی
۱۵۶	فصل دوم: اعتراض ثالث
۱۵۹	فصل سوم: اعاده دادرسی
۱۵۹	مبحث اول: جهات اعاده دادرسی
۱۶۱	مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی
۱۶۳	مبحث سوم: ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی
۱۶۹	باب ششم: مواعد
۱۶۹	فصل اول: تعیین و حساب مواعد
۱۷۱	فصل دوم: دادن مهلت و تجدید موعد

### باب هفتم: داوری ..... ۱۷۴

#### باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار ..... ۱۹۰

۱۹۰	فصل اول: هزینه دادرسی
۱۹۱	فصل دوم: اعسار از هزینه دادرسی

#### باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد ..... ۱۹۵

۱۹۵	فصل اول: کلیات
۱۹۸	فصل دوم: خسارات
۲۰۰	فصل سوم: مستثنیات دین

#### منابع ..... ۲۰۴

#### درستنامه ..... ۲۰۵

## علائم اختصاری

- ق.ا ..... قانون اساسی
- ق.م ..... قانون مدنی
- ق.ت ..... قانون تجارت
- ل.ا.ق.ت ..... لایحه‌ی اصلاح قانون تجارت
- ق.م.ا ..... قانون مجازات اسلامی
- ق.آ.د.م ..... قانون آیین دادرسی مدنی
- ق.آ.د.ک ..... قانون آیین دادرسی کیفری
- ق.ا.ح ..... قانون امور حسبی
- ق.ا.ا.م ..... قانون اجرای احکام مدنی
- ق.ج.ر ..... قانون جرائم رایانه‌ای
- ق.ح.خ ..... قانون حمایت خانواده
- ق.ص.چ ..... قانون صدور چک
- ق.و ..... قانون وکالت
- ق.ث.ا ..... قانون ثبت احوال
- ق.ن.ر.ق ..... قانون نظارت بر رفتار قضات
- ق.ت.آ.د.د.ع.ا ..... قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری
- ق.ت.د.ع.ا ..... قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
- ر.ک ..... رجوع کنید



## پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ

ستایش بی آرایش، یکتا دارایی را سزد که هستی همه از تابش اوست.

«آیین دادرسی مدنی»، مجموع اصول و قواعدی است که خواهان در مقام «طرح» امور حسبی، دعاوی مدنی و بازرگانی، خواننده در مقام «دفاع» و دادگاه در مقام «رسیدگی و صدور رأی»، مکلف به رعایت آنها هستند. لذا، اصول و مقررات مذکور، مکمل و متمم آن دسته از مقررات حقوقی است که حقوق و تعهدات اشخاص و حدود آن را تعیین می نماید؛ زیرا چنانچه حقوق مورد اشاره به وسیله دیگران تضییع یا انکار شود، مدعی این گونه حقوق، با اجرای مقررات آیین دادرسی مدنی، می تواند شناسایی یا اجرای آن را از دادگاه تقاضا نماید.

بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، دانستن مقررات آیین دادرسی مدنی موجب می شود تا حقوقدانان، دادرسان، وکلاء و مشاوران حقوقی، در مقام احقاق حقوق اشخاص، با گام‌های مؤثر و عملی‌تری اجرای آن را تضمین نمایند.

بر همین اساس، از جمله مواد امتحانی آزمون پذیرش متقاضیان پروانه‌ی کارآموزی وکالت «آیین دادرسی مدنی» است؛ زیرا کانون وکلای دادگستری بدین طریق قصد دارد تا میزان آگاهی داوطلبان آزمون فوق را در زمینه‌ی مقررات آیین دادرسی مدنی مورد ارزیابی قرار دهد و بالطبع کسانی از این آزمون سربلند بیرون می‌آیند که آگاهی نسبتاً قابل قبولی به این قبیل مقررات دارند و می‌توانند در طرح دعاوی مربوطه و دفاع از حقوق حقه‌ی موکل، عملکرد مطلوبی داشته باشند.

با عنایت به اهمیت فراوان آیین دادرسی مدنی در قبولی داوطلبان در آزمون مذکور و وسعت مطالب مربوط به آن، تدوین و انتشار کلیه این مطالب به طور خلاصه و نکته ای در مجموعه ای منسجم (۱۰۰۰ نکته) بسیار ضروری است. از سوی دیگر بدیهی است، ارائه‌ی مطالب فوق، به صورت خلاصه، آن هم به زبانی روان و بی‌تکلف می‌تواند گام مهمی در میزان آگاهی داوطلبان به شمار آمده و مطمئناً در توفیق آنان بی‌تأثیر نخواهد بود. مجموعه نکات حاضر در پی تحقق اهداف مذکور فراهم شده است.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از جناب آقای فرزاد دانشور مدیر فرهیخته و محترم مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش که امکان انتشار این کتاب را فراهم نمودند و همچنین از راهنمایی‌ها و معاضدت‌های دوست محترم جناب آقای احد شاهی دامن جانی، نهایت سپاس و امتنان را داشته باشم.

امید ولدخانی

مهر ۱۳۹۴

## کلیات

**نکته ۱:** مطابق ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی، دعاوی و موضوعاتی که در مقام رسیدگی تابع اصول و مقررات این قانون هستند، عبارتند از:

۱- کلیه دعاوی مدنی: دعاوی مدنی در مفهوم اعم آن، به معنای دعاوی ناشی از روابط حقوقی اشخاص به جز روابط تجاری آنها می‌باشد.

۲- دعاوی بازرگانی: دعاوی است که به نحوی مربوط به معاملات تجاری می‌باشد.

۳- امور حسبی: اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند؛ بدون اینکه رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعاوی از طرف آنها باشد.

۴- سایر مراجعی که به موجب قانون، موظف به رعایت آن هستند: اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی از عموم و کلیت برخوردار است، از این رو در هر مورد که قواعد خاص وضع نشده باشد، به کار گرفته می‌شود.

### ◀ (مرتبط با ماده ۱ ق.آ.د.م)

**نکته ۲:** بررسی رعایت مقررات و تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی در سایر قوانین:

الف) قانون امور حسبی: مطابق ماده ۲ ق.ا.ح، رسیدگی به این امور تابع مقررات وضع شده در این قانون است، مگر در مواردی که خلاف آن مقرر شده باشد. بنابراین، مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در امور حسبی در مواردی حاکمیت دارد که ق.ا.ح نسبت به آن حکمی نداشته باشد.

ب) قانون شوراهای حل اختلاف: مطابق ماده ۱۸ ق.ش.ح.ا، رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، تابع مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری است. اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی شامل مقررات ناظر به صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی، رسیدگی به دلایل و مانند آن است. اما مقررات ناظر به صدور رأی، واخواهی، تجدیدنظر و هزینه دادرسی، مستثنی بوده و تابع مقررات خود قانون شوراهای حل اختلاف می‌باشد. همچنین مطابق ماده ۱۹ این قانون، رسیدگی شورا از حیث تشریفات، تابع آیین دادرسی مدنی نیست. منظور از تشریفات، مقررات ناظر به شرایط شکلی دادخواست، نحوه ابلاغ، تعیین اوقات رسیدگی، جلسه دادرسی و مانند آن است.

ج) قانون حمایت خانواده: مطابق ماده ۸ ق.ح.خ، رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود.

د) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری: مطابق مواد ۱۰ به بعد ق.ت.آ.د.ع.ا، رسیدگی

در دیوان عدالت اداری تابع مقررات خود قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری است، مگر در مواردی که خلاف آن مقرر شده است. مانند تبصره ۲ ماده ۱۶، بند ب ماده ۶۲، تبصره ماده ۹۷، بند ۳ ماده ۱۱۱ و ماده ۱۲۲ ق.ت.آ.د.ع.ا.

ر) قانون آیین دادرسی کیفری: مطابق ماده ۱۵ ق.آ.د.ک، مطالبه‌ی ضرر و زیان ناشی از جرم و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱ ق.آ.د.م)

**نکته ۳:** برای اقامه‌ی دعوا، چهار شرط لازم است: ۱- منجز بودن حقّ مورد ادعا ۲- ذی‌نفع بودن مدعی ۳- محرز بودن سمت از حیث اصالت و نمایندگی ۴- دارا بودن اهلیت قانونی.

- برخی از حقوقدانان، وجود حقّ منجز را از شرایط پیروزی دعوا قلمداد نموده‌اند. همچنین بیان شده است که، تقدیم دادخواست از شرایط لازم برای شروع رسیدگی دادگاه و بررسی وجود یا عدم شرایط دعوا محسوب می‌گردد، نه از جمله شرایط اقامه‌ی دعوا (ر.ک: دکتر عبدا... شمس، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، ج ۱، ش ۵۰۲ الی ۵۰۴).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۲ ق.آ.د.م)

**نکته ۴:** نفع به مفهوم سود، منفعت، بهره و مقابل ضرر و زیان آمده است. ذی‌نفعی خواهان به این معناست که، در صورت صدور حکم علیه خوانده، باید نفعی نصیب خواهان گردد. در واقع شخصی که اقامه‌ی دعوا می‌نماید باید توجیه کند که اگر دعوای اقامه شده، به صدور حکم علیه خوانده بینجامد، قابلیت این را دارد که سودی به او برساند.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۲ ق.آ.د.م)

**نکته ۵:** شخص در صورتی ذی‌نفع در دعوا شمرده می‌شود که نفع ادعا شده: ۱- حقوقی و مشروع باشد، بدین معنی که مورد حمایت قانونگذار باشد؛ ۲- به وجود آمده و باقی باشد، بدین معنی که وجود نفع برای خواهان منوط به وجود شرط یا معلق به وقوع امری نباشد (استثناء ماده ۱۱۴ ق.آ.د.م)؛ ۳- شخصی و مستقیم باشد، بدین معنی که شخص در صورتی می‌تواند اقامه‌ی دعوا نماید که نفعی شخصی و مستقیم، در صورت احراز حق اصلی مورد ادعا، نصیب او شود (استثناء ماده ۶ ق.ج.خ).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۲ ق.آ.د.م)

**نکته ۶:** شرایط استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی عبارتند از: ۱- قوانین موضوعه کامل یا صریح نباشند؛ ۲- قوانین موضوعه متعارض باشند (این مورد فقط شامل تعارض قوانین می‌شود، به طوری که نتیجه‌ی عمل به هر یک عکس نتیجه‌ی عمل به دیگری باشد)؛

۳- اصلاً قانونی در قضیه‌ی مطروحه وجود نداشته باشد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۳ ق.آ.د.م)

**نکته ۷:** چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بدانند، نمی‌تواند برخلاف قانون رأی بدهد؛ بلکه فقط می‌تواند با این استدلال که قانون خلاف فتوای اوست، پرونده را برای ارجاع به شعبه‌ی دیگر، ضمن صدور قرار امتناع از رسیدگی نزد رئیس حوزه‌ی قضایی ارسال دارد.

- مطابق نظر برخی از حقوقدانان، با توجه به اصل ۴ ق.ا که تشخیص شرعی یا غیر شرعی بودن قوانین بر عهده‌ی شورای نگهبان است، لذا تبصره ماده ۳ ق.آ.د.م، از این لحاظ مورد انتقاد به نظر می‌رسد. همچنین این امر می‌تواند موجب تشمت آراء گردد (ر.ک: دکتر علی مهاجری، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۹۵، ش ۱۶).

#### ◀ (مرتبط با تبصره ماده ۳ ق.آ.د.م)

**نکته ۸:** موظف بودن دادگاه‌ها به تعیین تکلیف نسبت به هر دعوا به طور خاص، مطابق اصل ۱۶۶ ق.ا، بدین معنی است که احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. در غیر این صورت، حکم مزبور در مرحله‌ی بالاتر قابل نقض خواهد بود.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۴ ق.آ.د.م)

**نکته ۹:** مطابق ماده ۵ ق.آ.د.م، اصل بر قطعیت آراء (اعم از حکم و قرار) است، مگر در مواردی که در قانون قابلیت نقض و تجدیدنظر نسبت به آن پیش بینی شده باشد (موارد مصرح در مادتهای ۳۳۱ و ۳۳۲ ق.آ.د.م).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۵ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۰:** درخصوص آرای صادره از شوراهای حل اختلاف، مطابق ماده ۲۷ این قانون، کلیه‌ی آرای صادره از این مرجع (به استثنای گزارش‌های اصلاحی) قابل تجدیدنظر خواهی است. همچنین، طبق ماده ۶۵ ق.ت.آ.د.ع.ا، کلیه‌ی آرای شعب بدوی دیوان عدالت اداری قابل تجدیدنظر خواهی در شعب تجدیدنظر می‌باشد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۵ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۱:** عقود و قراردادهایی که در دادگاه‌ها قابل ترتیب اثر نیستند عبارتند از: ۱- عقود و قراردادهایی که محل نظم عمومی باشند. نظم عمومی در حقوق داخلی به معنای رعایت قواعد آمره‌ای است که هدف از وضع آن‌ها حفظ منافع عمومی می‌باشد. ۲- عقود و قراردادهایی که مخالف اخلاق حسنه باشد. اخلاق

حسنة، موازين اخلاقی است که نقض آن از سوی مردم آن کشور ناپسند شمرده می‌شود. ۳- عقود و قراردادهایی که مغایر با موازين شرع (مخالف صریح قانون) باشند (مستنبط از مواد ۱۰ و ۹۷۵ ق.م).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۶ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۲:** رسیدگی ابتدایی در مرجع بالاتر از مرحله‌ی بدوی ممنوع است. در واقع، اصل بر این است که به ماهیت هیچ دعوایی تا زمانی که در مرحله‌ی نخستین نسبت به آن حکمی صادر نشده است، نمی‌توان در مرحله‌ی بالاتر رسیدگی نمود مگر اینکه قانون تجویز کرده باشد. منظور از مرحله‌ی بالاتر، مرحله‌ی تجدیدنظر است که رسیدگی ماهوی می‌نماید و همچنین مرحله‌ی فرجام که صرفاً رسیدگی در آن به صورت شکلی می‌باشد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۷ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۳:** مواردی که در قانون تجویز شده است (استثنائات) عبارتند از: ۱- دعاوی طاری ورود ثالث و جلب ثالث (دعاوی تقابل و اضافی در صورتی که در مرحله‌ی بدوی نسبت به آن رسیدگی نشده باشد، بر طبق مفاد ماده ۳۶۲ ق.آ.د.م، در مرحله‌ی تجدیدنظر قابل طرح نیستند، زیرا ادعای جدید محسوب می‌گردند). ۲- رسیدگی به مطالبه‌ی خسارت ناشی از قرار تأمین خواسته صادره از دادگاه تجدیدنظر. ۳- دعاوی ابطال رأی داوری ارجاعی از سوی دادگاه تجدیدنظر.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۷ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۴:** صراحت ماده ۷ ق.آ.د.م، ناظر به حکم است. بنابراین پرونده‌ای که نسبت به آن قرار صادر شده است، قابل رسیدگی ماهوی در مرحله‌ی بالاتر نیست. چنانچه مطابق ماده ۳۵۳ ق.آ.د.م، دادگاه تجدیدنظر در صورتی که قرار مورد شکایت را مطابق با موازين قانونی تشخیص دهد، آن را تأیید می‌کند. در غیر این صورت پس از نقض، پرونده را برای رسیدگی ماهوی به دادگاه صادرکننده‌ی قرار عودت می‌دهد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۷ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۵:** اصل بر اجرای احکام دادگاه‌هاست، به این معنا که مقامات رسمی، اعم از مقامات دادگستری و سایر مقامات دولتی حق تغییر یا جلوگیری از اجرای حکم دادگاه را ندارند، مگر دادگاهی که حکم را صادر نموده و یا مرجع بالاتر آن هم منحصراً در مواردی که در قانون توسط قانونگذار تجویز شده باشد (در غیر این صورت مقام مستنکف مطابق ماده‌ی ۵۷۶ ق.م.ا، مستحق مجازات است).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۸ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۶:** ماده ۸ ق.آ.د.م، در بردارنده‌ی قاعده‌ی فراغ دادرس است. بر اساس این قاعده، هرگاه دادرس نسبت به دعوی مطروحه اقدام به صدور رأی مقتضی نماید، پس از انشای رأی، دیگر حق دخل و تصرف یا اعمال تغییرات در آن را، حتی با وجود رضایت اصحاب دعوا، ندارد. البته بر این قاعده استثنائاتی نیز وارد است: ۱- تصحیح و اصلاح رأی در صورت وجود سهو قلم یا اشتباه در محاسبه (مطابق ماده ۳۰۹ ق.آ.د.م) ۲- رسیدگی وخواهی ۳- اعتراض شخص ثالث ۴- اعاده‌ی دادرسی ۵- در صورت خطای تصمیم در امور حسبی در صورتی که آن تصمیم قابل پژوهش نباشد (مطابق ماده ۴۰ ق.ا.ج). بنابراین، قانون‌گذار در موارد فوق به دادگاه اجازه داده که حکم خود را تغییر دهد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۸ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۷:** آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدید نظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان است، مگر اینکه قوانین مزبور خلاف شرع شناخته شود.

- دلایلی که برای اثبات عقود یا ایقاعات یا تعهدات یا قراردادهای اقامه می‌شود، تابع قوانین مجری موقع انعقاد آنهاست، مگر این که دلایل مذکور از ادله‌ی شرعی‌ای باشد که مجری نبوده و یا خلاف آن در قانون تصریح شده باشد.

- دلایلی که برای اثبات وقایع خارجی از قبیل ضمان قهری، نسب و غیره اقامه می‌شود، تابع قوانین مجری موقع طرح دعواست.

- قوانین حاکم بر آیین تهیه، ارائه و به‌کارگیری ادله، تابع قوانین مجری در زمان رسیدگی است، حتی اگر قوانین مزبور جدید التصویب باشند.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۹ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۸:** مقررات مربوط به سازمان قضاوتی و صلاحیت ذاتی، امره محسوب شده و اثر فوری داشته و شامل دعوی مطروحه نیز می‌گردند. همچنین، قوانین آیین دادرسی مدنی به معنای اخص (مانند مواعد قانونی از قبیل مهلت وخواهی و تجدیدنظر خواهی) نیز اصولاً اثر فوری داشته و عطف به‌ماسبق می‌گردند، مگر در مواردی که عطف به‌ماسبق نمودن آنها به حقوق مکتسبه‌ی افراد خلل وارد آورد (از جمله قوانین مرتبط در این خصوص می‌توان به ماده ۱۱ ق.م.ا، و ماده ۴ ق.م.ا اشاره نمود).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۹ ق.آ.د.م)

**نکته ۱۹:** مقررات لاحق در دیوان عالی کشور مورد عنایت قرار نمی‌گیرد (مستنبط از ماده ۳۷۲ ق.آ.د.م)، ولیکن در صورت نقض رأی مورد فرجام‌خواهی، دادگاه مرجوع الیه موظف به اجرای قوانین جدید است.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۹ ق.آ.د.م)

## باب اول: در صلاحیت دادگاهها

### فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها

**نکته ۲۰:** صلاحیت ذاتی هنگامی مطرح می‌شود که مرجعی صالح به رسیدگی به دعوی باشد و آن دعوا در هیچ مرجع دیگر قابل رسیدگی نباشد. در صلاحیت ذاتی سه معیار صنف، نوع و درجه‌ی دادگاه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. مراجع قضایی از لحاظ صنف به مراجع قضایی و اداری، از لحاظ نوع به عمومی و اختصاصی (مانند نظامی، انقلاب، خانواده و ...) و از لحاظ درجه به بدوی و تجدیدنظر تقسیم می‌شوند. از ویژگی‌های قواعد صلاحیت ذاتی، آمره بودن، عدم لزوم ایراد و قابلیت طرح در تمام مراحل دادرسی است (وجود صلاحیت ذاتی، در موقع صدور رأی و وجود صلاحیت محلی، در موقع اقامه‌ی دعوا لازم است).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۰ ق.آ.د.م)

**نکته ۲۱:** در صلاحیت نسبی، پس از اعمال مقررات صلاحیت ذاتی، دادگاه صالح به لحاظ صلاحیت محلی مشخص می‌گردد. لذا در صورتی که دادگاه صلاحیت نسبی نداشته باشد، در صورت ایراد طرفین، قرار عدم صلاحیت صادر خواهد شد. در صورتی که دادگاه بدوی صلاحیت نسبی نداشته باشد و این امر نیز مورد ایراد طرفین قرار نگیرد، دادگاه می‌تواند رأساً قرار عدم صلاحیت صادر کند؛ البته رسیدگی هم می‌تواند بنماید. در واقع دادگاه در این حالت، تکلیف به رسیدگی ندارد ولی حق رسیدگی می‌تواند داشته باشد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۰ ق.آ.د.م)

**نکته ۲۲:** اصل بر صلاحیت مراجع قضایی عمومی است، مگر در مواردی که در قانون نسبت به آن تصریح شده باشد. مانند الف) صلاحیت شوراهای حل اختلاف مطابق ماده ۹ این قانون (از قبیل: دعاوی مالی راجع به اموال منقول تا نصاب دویست میلیون ریال، کلیه‌ی دعاوی مربوط به تخلیه‌ی عین مستأجره به جز دعوی مربوط به سرقفلی و حق کسب و پیشه، دعاوی تعدیل اجاره‌بها به شرطی که در رابطه‌ی استیجاری اختلافی وجود نداشته باشد، صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن، ادعای اعسار از پرداخت محکوم‌به در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد، دعاوی خانواده راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه نصاب دویست میلیون ریال در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱/۱۲/۱۳۹۱ نباشند). ب) صلاحیت



دیوان عدالت اداری به عنوان عالی ترین مرجع عمومی اداری، مطابق مواد ۱۰ و ۱۲ این قانون (ج) صلاحیت اداره‌ی ثبت محل وقوع ملک نسبت به دعوای افراز ملکی که جریان ثبتی آن خاتمه یافته باشد، مگر اینکه بین شرکاء محجور یا غائب باشد یا در مورد ماترک متوفی که در این صورت در صلاحیت دادگاه عمومی است. د) دعوای ابطال دستور اجرای سندی که از اجرای ثبت صادر شده است در صلاحیت دادگاه عمومی محل مرجعی است که دستور اجرا را صادر نموده است. ه) الزام شهرداری به صدور پروانه‌ی ساختمان در صلاحیت دیوان عدالت اداری است. ی) صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های ویژه‌ی روحانیت نسبت به کلیه‌ی جرائم و اعمال خلاف شأن روحانیون، کلیه‌ی اختلافات محلی محل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد؛ و همچنین کلیه‌ی اموری است که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود. بنابراین به دعوای حقوقی علیه روحانیون در دادگاه عمومی مطابق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی خواهد شد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۰ ق.آ.د.م)

**نکته ۲۳:** اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده است. بر این اساس، خواهان وظیفه دارد برای اقامه‌ی دعوا به دادگاه محل اقامت خواننده مراجعه نماید. البته اگر خواننده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد. و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیرمنقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه‌ی آن واقع است و هرگاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه‌ی دعوا خواهد کرد.

- مطابق مواد ۴۸ و ۴۹ ق.ا.ج: امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه‌ی آن دادگاه است و اگر محجور در ایران اقامتگاه نداشته باشد، دادگاهی که محجور در حوزه‌ی آن دادگاه، سکنی دارد برای امور قیمومت صالح است. هرگاه محجور در خارج ایران اقامت یا سکنی داشته باشد امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستان تهران است.

- مطابق مواد ۱۲ و ۱۳ ق.ح.خ: در دعوای و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می‌تواند در دادگاه محل اقامت خواننده یا محل سکونت خود اقامه‌ی دعوی کند، مگر در موردی که خواسته، مطالبه‌ی مهریه‌ی غیرمنقول باشد. همچنین هرگاه زوجین دعوای موضوع صلاحیت دادگاه خانواده را علیه یکدیگر در حوزه‌های قضایی متعدد مطرح کرده باشند، دادگاهی که دادخواست مقدم به آن داده شده است، صلاحیت رسیدگی را دارد. چنانچه دو یا چند دادخواست در یک روز تسلیم شده باشد، دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دعوای زوجه را دارد به کلیه‌ی دعوای رسیدگی می‌کند.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۱ ق.آ.د.م)

**نکته ۲۴:** اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او

- نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. همچنین هیچکس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد (مواد ۱۰۰۲ و ۱۰۰۳ ق.م).
- اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره‌ی شخص حقوقی در آنجا است. اشخاص حقوقی تابعیت همان مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آن مملکت است (مواد ۵۹۰ و ۵۹۱ ق.ت)
- اقامتگاه زوجه همان اقامتگاه زوج است، مگر اینکه زن ناشزه باشد یا اینکه پس از ازدواج همچنان در محل قبلی خود سکونت داشته و به منزل زوج نرفته باشد. همچنین زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و زنی که با رضایت شوهر خود و یا به اجازه‌ی محکمه مسکن علیحده اختیار کرده، می‌تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد (ماده ۱۰۰۵ ق.م).
- اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آن‌ها است (ماده ۱۰۰۶ ق.م).
- اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می‌کنند در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آن‌ها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آن‌ها خواهد بود (۱۰۰۹).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۱ ق.آ.د.م.)

**نکته ۲۵:** دادگاه صالح در دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول:

- (الف) دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق (اعم از حق انتفاع و حق ارتفاق)، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است.
- (ب) دعاوی مطالبه‌ی وجه مربوط به مال غیرمنقول که ناشی از عقد و قرارداد نباشد، اجرت المثل و خسارات وارده به ملک، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است.
- (ج) دعاوی راجع به تعهد به انتقال مال غیرمنقول (مانند الزام به تنظیم سند رسمی ملک) یا تکمیل و تسلیم آن، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است.
- (د) هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت لازم است در صورتی که مالک زمین و ادوات یکی باشد و این ادوات به کشاورزی اختصاص داده شده باشند، از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال، غیرمنقول (حکمی) محسوب و دعاوی راجع به آن، در صلاحیت دادگاه محل وقوع اموال مزبور است.
- (ه) دعاوی تولیت و اعتراض به رأی تحقیق اوقاف نسبت به مال غیرمنقول موقوفه، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول (مال موقوفه) است.
- (ی) دعاوی مربوط به حق سرقفلی، حق تحجیر و تقسیم مال غیرمنقول، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است (دعاوی بطلان تقسیم در صلاحیت دادگاهی است که تقسیم توسط آن به عمل آمده است).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۲ ق.آ.د.م.)

**نکته ۲۶:** دادگاه صالح در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قرارداد ناشی

شده است:

الف) خواهان در دعوی بازرگانی (عملیات موضوع مواد ۲ و ۳ ق.ت) و دعوی راجع به اموال منقول که از عقود و قرارداد ناشی شده باشد، مختار است به دادگاه یکی از سه حوزه‌ی زیر مراجعه نماید:  
 ۱- مطابق اصل به دادگاه محل اقامت خوانده. ۲- دادگاهی که عقد یا قرارداد در حوزه‌ی آن واقع شده است. ۳- دادگاهی که تعهد باید در حوزه‌ی آن انجام شود.

ب) دعوی راجع به مطالبه‌ی دیون از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره‌ی عین مستأجره؛ حتی اگر مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقوله باشد، از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است.  
 ج) در دعوی راجع به چک، مطابق رأی وحدت رویه ۶۸۸-۳/۲۳/۱۳۸۵ نظر به اینکه چک با وصف فقدان طبع تجاری، از جهت اقامه مشمول قواعد مربوط به بروات می‌گردد، لذا از این منظر به لحاظ صلاحیت از مصادیق ماده ۱۳ ق.آ.د.م به شمار می‌رود. بنابراین دارنده‌ی چک می‌تواند جهت اقامه‌ی دعوا به دادگاه محل وقوع عقد یا قرارداد؛ یعنی محل صدور چک، یا به دادگاه محل انجام تعهد، یعنی محل استقرار بانک محالّ علیه و یا با عنایت به قاعده‌ی عمومی صلاحیت نسبی موضوع ماده ۱۱ ق.آ.د.م، برای اقامه‌ی دعوی به دادگاه محل اقامت خوانده مراجعه کند.

د) در دعوی راجع به مطالبه‌ی مهریه، مطابق رأی وحدت رویه ۷۰۵-۱/۰۸/۱۳۸۶ نظر به اینکه مهر نیز از عقد نکاح ناشی شده و به دلالت ماده ۲۰ ق.م، کلیه‌ی دیون از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است. بنابراین، زوجه می‌تواند جهت اقامه‌ی دعوا برای مطالبه‌ی مهریه به دادگاه محل وقوع عقد نکاح، محل انجام تعهد زوج مبنی بر کارسازی مهریه و مطابق قواعد عمومی به محل اقامت زوج مراجعه نماید. همچنین مطابق ماده ۱۲ ق.ح.خ در صورتی که مهریه از اموال غیرمنقول نباشد، زوجه می‌تواند جهت اقامه دعوا به دادگاه محل سکونت خود مراجعه نماید.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۳ ق.آ.د.م)

**نکته ۲۷:** دعوی راجع به اسناد بهادار در وجه حامل، حق تألیف و مالکیت صنعتی و تجاری (حقوق معنوی) منقول محسوب می‌گردند و در صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده می‌باشند.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۳ ق.آ.د.م)

**نکته ۲۸:** رسیدگی به درخواست تأمین دلیل، با توجه به بند چ ماده ۹ ق.ش.ح.ا، در صلاحیت شورای حل اختلاف محلی است که دلایل و آمارات، در حوزه‌ی آن واقع شده است، حتی اگر محل اقامت خوانده در محل دیگری باشد. در صورتی که دلایل مورد استناد در حوزه‌ی مختلف قضایی باشد، برای تأمین دلیل هر یک از دلایل باید به هر حوزه به طور جداگانه مراجعه شود.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۴ ق.آ.د.م)

**نکته ۲۹:** در دعاوی که موضوع آن مربوط به مال منقول و غیرمنقول باشد، در صورتی که دعوا در هر دو قسمت ناشی از یک منشأ باشد، خواهان فقط مجاز به طرح دعوا در دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول خواهد بود.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۵ ق.آ.د.م)

**نکته ۳۰:** هرگاه خواندگان یا اموال غیرمنقول مورد دعوا متعدد بوده و در حوزه های قضایی مختلف باشند؛ در این صورت خواهان مخیر است که جهت اقامه دعوا به هر یک از دادگاه های حوزه های یاد شده مراجعه نماید.

- حق انتخاب مربوط به آن دسته از دعاوی است که مشمول قاعدهی عمومی صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده یا محل وقوع مال غیرمنقول می شوند، که با اقامه دعوا پایان می پذیرد.  
- وجود این حق منوط به آن است که خواستهی خواهان متعدد نباشد. بنابراین اگر خواهان نسبت به هر خوانده ادعایی جدای از ادعای خود نسبت به خواندهی دیگر داشته باشد، دیگر حق استفاده از امتیاز یاد شده را ندارد. زیرا آنچه وی مطرح می کند، بیش از یک ادعاست.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۶ ق.آ.د.م)

**نکته ۳۱:** دعوی طاری در صورتی که تنها حائز یکی از شرایط ذیل باشد، در دادگاهی اقامه می شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است:

- ۱- دعوی طاری با دعوی اصلی مرتبط باشد (بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک مؤثر در دیگری باشد. مانند دعوی مطالبهی نفقه و تمکین).
  - ۲- دعوی طاری با دعوی اصلی دارای یک منشأ باشد (مانند دعوی مطالبهی اُجور مُعوقه و هزینهی شارژ ساختمان).
- برای افزایش خواسته، وجود هر دو شرط مذکور لازم است، بدین معنی که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی هم داشته باشد.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۷ ق.آ.د.م)

**نکته ۳۲:** در دعوی طاری در صورت وجود شرایط، دادگاه حتی اگر صلاحیت نسبی نداشته باشد به آن رسیدگی می نماید، ولیکن اگر صلاحیت ذاتی نداشته باشد، با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را حسب مورد به دادگاه صالح یا مرجع تعیین صلاحیت ارسال می نماید و در صورتی که رسیدگی به دعوی اصلی منوط به تعیین و تکلیف نسبت به دعوی طاری باشد، رسیدگی را تا حصول نتیجه نسبت به دعوی طاری متوقف می نماید (صدور دستور توقف دادرسی علی الاصول در وقت احتیاطی صورت می پذیرد). بنابراین، اقامه دعوی طاری، در هر صورت باید در دادگاه

رسیدگی کننده به دعوی اصلی صورت پذیرد، حتی اگر از صلاحیت ذاتی دادگاه بیرون باشد. اما رسیدگی به دعوی طاری، منوط به وجود صلاحیت ذاتی است.

- مطابق ماده ۲۱ ق.ش.ج.ا: در مواردی که دعوی طاری یا مرتبط با دعوی اصلی از صلاحیت ذاتی شورا خارج باشد، رسیدگی به هر دو دعوی در مرجع قضایی صالح به عمل می‌آید.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۷ ق.آ.د.م)

**نکته ۳۳:** اظهاراتی که در مقام دفاع مطرح می‌گردد (مانند احتساب یعنی محاسبه پرداخت، تهاثر، صلح، فسخ، ردّ خواسته و ...)، دعوی طاری محسوب نمی‌شود، بلکه باید بدون نیاز به تقدیم دادخواست ثابت شود.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۸ ق.آ.د.م)

**نکته ۳۴:** دفاع به معنی اخص یا دفاع ماهوی، به هر نوع دفاعی گفته می‌شود که مستقیماً علیه حقّ اصلی مورد ادعای خواهان مطرح می‌شود تا غیرموجه یا بی‌اساس بودن ادعای آن در پی رسیدگی ماهوی، احراز و اعلام، و خواهان را از پیروزی بازدارد. بنابراین، دفاع مزبور در نفی حقّ ادعایی مدعی خلاصه می‌شود (ر.ک: دکتر عبدا... شمس، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، ج ۱، ش ۸۴۰).

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۸ ق.آ.د.م)

**نکته ۳۵:** قرار اناطه از جمله قرارهای اعدادی محسوب می‌شود. قرار اناطه در مواردی صادر می‌شود که اثبات ادعایی در صلاحیت دادگاه دیگری بوده و صدور رأی در دعوی اصلی منوط به روشن شدن نتیجه‌ی آن باشد. لذا در این صورت رسیدگی به دعوی اصلی تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیتدار متوقف می‌گردد.

- اگر رسیدگی به دعوی اصلی متوقف بر ادعایی باشد که خوانده باید آن را در دادگاه صالح مطرح و ثابت نماید، در این صورت خوانده باید دعوی خود را در قالب ماده ۱۷ ق.آ.د.م در همان دادگاه رسیدگی کننده به دعوی اصلی اقامه نماید.

- مطابق ماده ۲۱ ق.آ.د.ک: هرگاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست، و در صلاحیت دادگاه حقوقی است، با تعیین ذی‌نفع و با صدور قرار اناطه، تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم، معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود.

#### ◀ (مرتبط با ماده ۱۹ ق.آ.د.م)

**نکته ۳۶:** در موارد صدور قرار اناطه، خواهان مکلف است ظرف یک ماه (از زمان ابلاغ اظهار دادگاه)